

یادداشت

چالش جانشینی بعد از مرگ رهبر مستبد!

صادق کار



ماهیت رژیم فقه‌داری با رفتن خامنه‌ای و آمدن یکی دیگر دگرگون نخواهد شد و زمینه استبداد از میان نخواهد رفت. مرگ رهبران خودکامه و دیکتاتور طبعاً برای آزادیخواهان خوشایند است، اما به شرطی که مردم اجازه ندهند دیکتاتور دیگری را بر جای دیکتاتور قبلی بنشانند. در شیلی، برزیل، آرژانتین، بولیوی... کلمبیا، مکزیک... دیکتاتوری‌های نظامی به صورت مختلف سقوط کردند و

شایعه وخامت وضعیت جسمانی علی خامنه‌ای مستبدی که بیش از سه دهه است با کمک سرکوب و سانسور و کشتار مخالفین توانسته است از اضمحلال و نابودی حکومت‌اش جلوگیری کند حاکی از نزدیک شدن خامنه‌ای به پایان عمر خود است. شواهد دیگری نیز وجود دارد که احتمال مرگ دیکتاتور جنایتکار و خودکامه را تقویت می‌کند. قطع ملاقاتهای مرسوم وی در مراسم مذهبی، لغو شدن ملاقات وی با اعضای مجلس خبرگان و تشکیل عجولانه مجلس خبرگان رهبری که وظیفه قانونی انتخاب جانشینی خامنه‌ای را به عهده دار با وجود غیبت ۳۰ نفر از اعضای خبرگان تقویت شایعه موروثی شدن ولایت فقیه در خانواده خامنه‌ای، موضوعاتی هستند که احتمال مرگ خامنه‌ای در آینده نزدیک را تقویت کرده‌اند.

بعد از هشدار میر حسین موسوی نسبت به موروثی شدن رهبری و عدم تکذیب آن توسط خامنه‌ای و خبر اداره موقت امور مربوط به وظایف خامنه‌ای به مجتبی خامنه‌ای اینکه بخواهند مجتبی را که رخت آیت الهی را هم به تازگی بر او پوشانده‌اند جانشین پدرش کنند قوت گرفته است. با این همه انتصاب جانشین خامنه‌ای به رغم همه تدابیری که از پیش برای آن اندیشیده شده چالش آسانی نیست که به آسانی و بدون هزینه بتوان انجام‌اش داد. نخستین چالش درون خود خبرگان پیش خواهد آمد، چرا که جناح اقلیت حاضر نخواهد شد تن به موروثی شدن یا به عبارتی امامتی شدن ولایت فقیه مشابه آنچه در شیعه معمول است بدهد. از آنجا که خود جناح رقیب کاندیدایی که مورد قبول محافظه کاران طرفدار خامنه‌ای هم باشد برای این پست ندارد، ناچار است ولایت شورایی را پیش بکشد که در آن صورت پیروان خامنه‌ای به آن تن نخواهند. در ساختار کنونی آنکه در نهایت در این جدال دست بالا را پیدا خواهد که ارگانهای اصلی قدرت، مانند مجلس، دولت، شورای نگهبان، قوه قضایی و خبرگان و مهمتر و تعیین کننده تر از همه اینها فرماندهی سپاه و نهادهای امنیتی را در اختیار دارند. یعنی همین‌هایی که تحت عنوان دولت



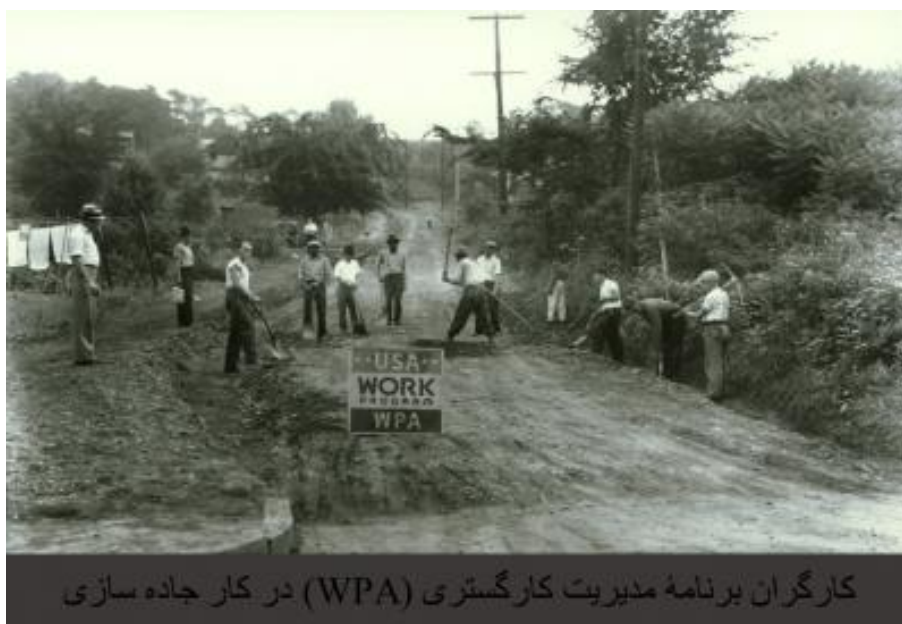
یک دست هستند نهادهای اصلی قدرت را در اختیار دارند. درست است که اینها منفور مردم هستند و درصد کمی از مردم از اینها حمایت می کنند، ولی رژیم های دیکتاتوری با بسیج و سازماندهی همین اقلیت کوچک هم اگر قادر باشند به وضعیت اقتصادی سر و سامانی بدهند، می توانند مدتی سیطره خود را حفظ کنند. مفروض به اینکه خبرگان از پس انتخاب جانشین خامنه‌ای برآید چالش اصلی تر کنش و واکنش سرداران سپاه به نتیجه تصمیم خبرگان است. بعد از خامنه‌ای سرداران سپاه بعید است از هیچ روحانی دیگری بعنوان رهبر اطاعت کنند، مگر آن که خودشان نقش اصلی را در انتخاب او داشته باشند.

بهر حال رویدادها و تحولات بعد از مرگ خامنه‌ای را اگر مردم نتوانند رقم بزنند سرداران سپاه رقم خواهند زد. خود خامنه‌ای هم بیش از همه به پشت گرمی سرداران سپاه و در هماهنگی با آنان و حمایت بازار بود که می توانست در راس نظام باقی بماند. با این همه ده‌ها حادثه غیر قابل پیشبینی در این میان می تواند اتفاق بیفتد که روندهای قابل پیشبینی را دگرگون نماید. گذشته از همه اینها اما برای مردم فرق نمی کند که رهبر آینده پسر خامنه‌ای باشد یا نوه خمینی یا شخص ثالث دیگری. زیرا ماهیت رژیم فقاhtی با رفتن خامنه‌ای و آمدن یکی دیگر دگرگون نخواهد شد و زمینه استبداد از میان نخواهد رفت. مرگ رهبران خود کامه و دیکتاتور طبعاً برای آزادیخواهان خوشایند است، اما به شرطی که مردم اجازه ندهند دیکتاتور دیگری را بر جای دیکتاتور قبلی بنشانند. در شیلی، برزیل، آرژانتین، بولیوی کلمبیا، مکزیک... دیکتاتوری های نظامی به صور مختلف سقوط کردند و نظام های پارلمانی جای دولتهایی نظامی و دیکتاتوری ها را گرفتند. ما ایرانی ها باید همت کنیم و یک بار برای همیشه ریشه نظام های دیکتاتوری و موروثی را از کشور مان بر کنیم و به جنایات و بی عدالتی هایی که نتیجه رژیم های دیکتاتوری و استبدادی است پایان دهیم. راه دیگری به غیر از این فعلاً برای خلاصی از وضعیت فاجعه بار حاکم بر کشور ما وجود ندارد.

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش دهم

تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"

هیو استورجس



کارگران برنامه مدیریت کارگستری (WPA) در کار جاده سازی



با این وجود، اشتراکات برشمرده مزایا و ضعفهای بالقوه "تضمین اشتغال" را آشکار می کنند. شواهد نشان می دهند که این برنامه ها در اساس نتایج مثبتی را در کاهش فقر حاد به بار می آورند، چنان که در نمونه هند بیان شد در کاهش مهاجرت داخلی مؤثر اند، و موجب حمایت از اشتغال و دستمزد در اقتصاد سراسری اند. گرچه برخی تحقیقات در مورد برنامه مدیریت کارگستری در ایالات متحده حای از تأثیر قدری منفی این برنامه بر مشاغل بخش خصوصی اند، اما تصویر کلی این است که تأثیر آن بر تعداد مشاغل خصوصی اندک بوده و تأثیر مثبتی بر دستمزد خصوصی داشته است. موضوع عدم تطابق مهارت ها با کارهای موجود در این برنامه ها یک مشکل مهم تمام آنهاست.

تضمین اشتغال در عمل: مقایسه برنامه های تاریخی و معاصر - ادامه 2-

"پیامدها برای تضمین اشتغال"

برخی از وجوه برنامه هائی که در این فصل بررسی شدند، با ایده "تضمین اشتغال"* مشترک اند. اولین وجه مشترک بین آنها بسیار بدیهی است: آنها همگی برنامه های رفاهی دولتی اند که درآمدی را، نه به عنوان حق، بلکه به ازای انجام کار نصیب افراد می کنند. دومین وجه مشترک این است که این برنامه ها به درجات متفاوتی تصدیق این نکته اند که تأمین شغل یک وظیفه دولت است، اگرچه که فقط برنامه تضمین اشتغال روستایی مهاتما گاندی است که در چارچوبی مبتنی بر حق افراد و وظیفه دولت بنا شده است. سومین وجه مشترک این است که این برنامه ها اسماً کارهای مفیدی را پیش می برند. با این حال میتچل، مویسکن، چرنووا و ورای، همگی شان، می پذیرند که هیچ یک از برنامه های بررسی شده را کیفاً نمی توان "تضمین اشتغال"، چنان که در این نوشته تعریف شد، به حساب آورد. اساسی ترین تفاوت بین این برنامه ها و "تضمین اشتغال" این است که آنها کل ذخیره کارگران بیکار را مبتنی بر تقاضای به غایت متغیر برای کار جذب نمی کنند و به این منظور هم تلاشی نمی کنند. زیرا همه این برنامه ها با بودجه معینی محدود می شوند. این در حالی است که "تضمین اشتغال" بر این نظر است و مجاز می داند که بودجه اش بر اساس هر میزان متغیر تقاضا برای کار تعیین شود. از همین روست که در این برنامه ها تأمین اشتغال سهمیه بندی می شود. برنامه "تضمین اشتغال روستائی"، با توجه به چارچوب مبتنی بر حق، در تئوری به "تضمین اشتغال" (یا "اشتغال به موجب تقاضای کار") نزدیکتر است، اما این برنامه نیز در عمل هنوز به شدت سهمیه بندی شده است و بسیاری از تقاضاها برای کار برآورده نشده باقی مانده اند. از این قرار هیچ یک از برنامه های گفته شده اشتغال کامل - اعم از اشتغال کامل "سست" یا هر نوع دیگر از اشتغال کامل - را فراهم نمی کند. بنابراین اشتغال کامل "سست"، این نوآورانه ترین وجه "تضمین اشتغال" هنوز کاملاً فرضی است.

با این وجود، اشتراکات برشمرده مزایا و ضعفهای بالقوه "تضمین اشتغال" را آشکار می کنند. شواهد نشان می دهند که این برنامه ها در اساس نتایج مثبتی را در کاهش فقر حاد به بار می آورند، چنان که در نمونه هند بیان شد در کاهش مهاجرت داخلی مؤثر اند، و موجب حمایت از اشتغال و دستمزد در اقتصاد سراسری اند. گرچه برخی تحقیقات در مورد برنامه مدیریت کارگستری در ایالات متحده حای از تأثیر قدری منفی این برنامه بر مشاغل بخش خصوصی اند، اما تصویر کلی این است که تأثیر آن بر تعداد مشاغل خصوصی اندک بوده و تأثیر مثبتی بر دستمزد خصوصی داشته است. موضوع عدم تطابق مهارت ها با کارهای موجود در این برنامه ها یک مشکل مهم تمام آنهاست. شواهد موجود نشان می دهند که کارگران برنامه "نان آور خانواده" (آرژانتین) می توانستند مشاغل با درآمد بالاتری را، نسبت به کارگران بیکاری که در آن برنامه شرکت نکردند، بیابند. علاوه بر این، با وجود مهر و نشانهای چون تنبل و سرکش، که به کارگران شاغل در برنامه ها از جمله در برنامه مدیریت کارگستری زده می شد، پیمایشهای انجام شده در [میان کارفرمایان] در آرژانتین نشان دادند که 78 درصد از آنان با استخدام کارگرانی که در برنامه نان آور خانواده شرکت کرده و واجد شرایط کار بودند، مشکلی نداشتند.

اشکالات موجود در طراحی و اجرای این برنامه های کاری نیز واجد درسهایی برای "تضمین اشتغال" اند. مهمترین درس این که اهداف دوگانه این برنامه ها - یکی ایجاد شغل و دیگری انجام کارهای مفید - در



اصطکاک با یکدیگر اند. ضرورت ایجاد هر چه سریعتر شغل، دو پیامد منفی دارد. اولین پیامد این است که پروژه‌هایی که می‌توانند به راحتی یا بلافاصله انجام شوند بر پروژه‌هایی با ارزش ماندگار اولویت می‌یابند؛ همچنین ممکن است هزینه نگهداری درازمدت داراییهای ایجادشده یا خدمات ارائه شده نادیده بماند، یا حتی از آن اغماض شود. این کیفیت می‌تواند منجر به تولید محصولات و خدمات کم کیفیت شود. دومین پیامد منفی این است که پروژه‌ها به گونه‌ای برنامه ریزی و اجرا می‌شوند که به جای کارآمدی، حداکثر نیروی کار را صرف کنند. این، هم سرمایه و هم نیروی کار را هدر می‌دهد، که این دومی ممکن است به صورت شکل عدم تطابق مهارت با شغل سپرده شده نیز بروز کند. چنان که بررسیها نشان داده اند، کارگران برنامه مدیریت کارگستری به طور میانگین یا ماهر یا نیمه ماهر بودند، در حالی که کار بسیار ساده‌ای به آنها سپرده می‌شد. به زعم گای استندینگ این کیفیت به احتمال قوی هم برای آینده شغلی آنها مضر است و هم برای روحیه شان، زیرا هنگام انجام کار سپرده شده از اعمال مهارت های محروم می‌شوند.

برخی از طرفداران "تضمین اشتغال" استدلال می‌کنند که "کار کم ارزش مشکلی نیست، زیرا یک کارگر تحت پوشش آن، در غیر این صورت و طبق تعریف آن، بیکار می‌شود و چیزی تولید نمی‌کند." اما این واقعیت نباید به مجوزی برای نادیده گرفتن یا کم اهمیت جلوه دادن مسئله بهره‌وری تبدیل شود. گذاشتن یک کارگر بر سر یک کار کم- یا بدون ارزش، حتی اگر در غیر این صورت بیکار بماند، در هر حال همچنان مستلزم هزینه‌ای است که به آن نام "هزینه فرصت" (از دست دادن امکان تحقق کیفیتی بهتر) را داده اند. یک برنامه "تضمین اشتغال" در هر حال توانایی محدودی برای تطبیق مهارت‌های کارگران با مشاغل سپرده شده دارد، زیرا متعهد است که به هر نحو شغلی را "در صورت تقاضای کار" فراهم آورد. به زعم متاپوری برنامه "تضمین اشتغال" ممکن است مصداق "بدتر و بد" دو جهان باشد: جهان بیکاری و جهان (Mtapuri) بهبود بیکاری در حالی که محصولات و خدماتی با ارزش بالا تولید نمی‌شوند. به این تنش می‌توان تنش دیگری را هم افزود: اگر پروژه‌های "تضمین اشتغال" بتوانند محصولات و خدمات با کیفیتی را تولید کنند، انگیزه دولت تقویت خواهد شد تا کارگران تحت پوشش این برنامه را به جای کارکنان "خط اصلی" در بخش دولتی به استخدام گیرد.

نتیجه

در این فصل چهار برنامه مهم تضمین اشتغال بررسی شدند. این برنامه‌ها با "تضمین اشتغال" دارای وجوه مشترکی هستند. این وجوه عبارتند از: حمایت از بیکاران از طریق اشتغال عمومی به جای انتقال درآمد، تأمین شغال کافی تا حدی یا تماماً به عنوان یک مسئولیت دولتی؛ و استفاده از کارکنان دولتی برای انجام کارهای مفید. این بررسی نشان می‌دهد که برنامه‌هایی برای ایجاد اشتغال عمومی و در مقیاس بزرگ عملی اند و می‌توانند مزایایی با ارزش پایدار به همراه داشته باشند، اما ضرورت جذب بیشترین نیروی کار می‌تواند به پروژه‌هایی با برنامه ریزی و اجرای ضعیف منجر شود که ممکن است از تداوم بازمانند. مشکلات عدم تطابق مهارت‌ها و محصولات کم ارزش نیز پیامدهای مهمی برای "تضمین اشتغال" اند. بیشتر این مشکلات را می‌توان به تنش بین ایجاد شغل در سطح مهارت‌های پایه (که برای جذب تعداد زیادی از بیکاران با دستمزدهای کمتر از بازار ضرور است) و تولید محصولی با ارزش که با بخش خصوصی و بخش اصلی دولتی هم رقابت نکند نسبت داد. این تنش با هر برنامه‌ای برای ایجاد شغل برای عموم همراه است، اما برای "تضمین اشتغال" مضاعف است. این موضوع در فصل 4 با جزئیات بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

برنامه‌های بررسی شده از "تضمین اشتغال" متمایز اند، زیرا عموم بیکاران را پوشش نمی‌دهند، یعنی در صدد و متعهد نیستند که برای تمام بیکاران شغل ایجاد کنند. دامنه این برنامه‌ها در قیاس با بیکاری گسترده‌ای که کشورهای مربوطه با آن روبرو بوده‌اند، به واقع محدود است. برنامه‌های بررسی شده فاقد ایده "اشتغال کامل سست" اند. این ایده رادیکال‌ترین و غیرمعمول‌ترین ویژگی "تضمین اشتغال"



است، و نظراً آن را از برنامه های مذکور متمایز می سازد. این موضوع در فصل 3 به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است

تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی

دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحناتی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.

تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.

کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم می را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهای مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند! قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران باید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!



دعوا بر سر خصوصی سازی نیست بر سر سهم است!

صادق



تنها راه موثر برای پس گرفتن اموال عمومی از صاحبان قدرت همان راهی است که کارگران هفت تپه پیمودند. این خود کارگران و مخالفان خصوصی سازی هستند که می توانند با متحد شدن و مبارزه پیگیرانه سیاست خصوصی سازی را که همراه با مقررات زدایی حقوق کار پیشبرده می شود در هم بشکنند. مبارزه علیه خصوصی سازی در واقع مبارزه علیه مقررات زدایی و بی حقوق سازی نیروی کار در هم تنیده هستند.

روزنامه آفتاب از تصمیم دولت رئیسی برای بازپس گیری واحدهای واگذار شده شبهه دار خبر داده است و مقصود از آن را فروش دوباره برای جبران بخشی از کسری بودجه دولت عنوان کرده است. این روزنامه به سخنان خاندوزی وزیر اقتصاد و رئیس سازمان خصوصی سازی اشاره کرده و به نقل از آنها نوشت:

حسین قربانزاده مشاور و دوست محمد باقر قالیباف که از خبرنگار در خبرگزاری قرآنی به ریاست سازمان خصوصی سازی منصوب شد، بر عزم جدی این سازمان بر بازپس گیری واگذاری های غیرقانونی تاکید کرد. رئیس او سید احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز، ضمن بیاناتی مشابه، اعلام کرد که حتی اگر شخصی دارایی ها و زمین های راکد دولتی را شناسایی کند، جایزه دریافت خواهد کرد". این روزنامه سپس به واگذاری کارخانه لاستیک دنا به یک دهم قیمت به یزدی یکی از روسای قوه قضایی اشاره کرده و آنرا از موارد شبهه دار شمرده است که به آن رسیدگی نشده است. این که هزینه های دولت سر به فلک می ساید و دولت قادر به تامین هزینه های خود نیست محل تردید نیست. اما اینکه تصمیم گرفته باشد واحدهای واگذار شده بقول این روزنامه شبهه دار را پس بگیرد و با باز فروش آنها کسری بودجه خود را تامین کند، جای اما و اگر دارد. اما اینکه بخواهد به این وسیله بخشی از واگذاری های نان و آبدار به عناصر وابسته به دولت روحانی را پس بگیرد و آنها را به وابستگان دولت و حکومت واگذار کند، به نظر درست تر می رسد. دولت رئیسی البته با چراغ خاموش مشغول واگذاری ته مانده دارایی های عمومی تحت کنترل دولت به همین بهانه هست. منتها بیشتر از اینکه برای جبران هزینه های دولت باشد، سیاست است و فرصت از موقعیت دولتی برای واگذاری موسسات باقی مانده به خودی ها. آدرس روزنامه آفتاب به واگذاری مفت و مجانی لاستیک سازی دنا و به عبارتی ملاخور کردن آن در واقع هشدار است به طرف مبنی بر اینکه اگر قصد انجام این کار دارد یکسویه عمل نکند که طرف مقابل هم حرف و حدیث در این خصوص کم ندارد! مگر نه این است که خود این روزنامه هم تا کنون از سیاست خصوصی سازی تام و تمام حمایت کرده !. او می کند؟ پس دعوا بر سر خصوصی سازی نباید باشد، سر لحاف ملاست



خصوصی سازی یکی از سیاستهای مشترک همه جناح های حکومت لاقل پس از دوران نخست وزیری میرحسین موسوی تا کنون بوده است. البته بر سر اینکه موسسات دولتی را چگونه بین خود تقسیم کنند. همواره درگیری های شدیدی وجود داشته و همچنان پا برجا ست

عمده صنایع و موسسات دولتی پس از تغییر اصل ۴۴ توسط خامنه ای زیر عنوان خصوصی سازی به بهای ناچیز به بستگان و وابستگان رژیم واگذار شده اند و همگی به نسبت سهم و نفوذ و نقشی که در حمایت از حکومت داشته اند، بخشی از دارایی های عمومی را که در دست دولتها بوده از آن خود کرده اند. بطوریکه دیگر چیز زیادی برای تقسیم باقی نمانده است. با این وجود کشاکش بین جناح های حاکم خاتمه نیافته و هر گاه فرصتی به دست آمده کوشش کرده و می کنند با پرونده سازی برای یکدیگر اموال غارت شده ملت را با استفاده از شگردهای مختلف از چنگ هم درآورند

قوه قضایی بعنوان مرجعی که می بایست بر واگذاریها نظارت بنماید و از حیف و میل شدن اموال عمومی جلوگیری کند خود در فساد های انجام شده در جریان واگذاری ها نقش و منفعت داشته و سهم بسزایی از این بابت به جیب روسای این نهاد رفته است. روسای آن تا توانسته اند در هنگام ریاست شان با جیب های پر پول ریاست شان را به پایان برده اند. شاهرودی که زمانی رئیس قوه قضایی بود یکی از ثروتمندان بزرگ کشور بود. ماجرای فسادهای لاریجانی که به محاکمه طبری معاون همه کاره او انجامید نمونه دیگری است. طبری را در واقع به جای لاریجانی محاکمه و محکوم کردند. خامنه ای به جای اینکه لاریجانی را بخاطر افشای فسادهای او بگذارد محاکمه کنند، او را با فرستادن به مجمع تشخیص مصلحت پاداش داد. یزدی یکی دیگر از روسای قوه قضایی و از محارم نزدیک علی خامنه ای کار فساد اش با یکجا ملاخور کردن کارخانه لاستیک دنا بریجستون قبل از انقلاب بیرون افتاد و رسوای عام و خاص شد، اما با اینکه روشن شد کارخانه چند صد میلیاردی دنا را با ۱۱ میلیارد تصاحب کرده است، کسی نتوانست کارخانه را از تملک وی و بنیادی که بر راس آن قرار داشت در آورد. کارخانه دنا که روزگاری برای خود شان اعتباری داشت و بخشی از نیازهای کشور به تایر خودرو را تامین می کرد، بعد از واگذاری دچار افلاس شد و بجای تولید لاستیک تبدیل به واردکننده شد. واسطه این واگذاری کسی غیر از نعمت زاده وزیر وقت صنعت و معدن نبود که خود با استفاده از رانت قدرت دولتی از فرش به عرش رسید و هزاران میلیارد ثروت به جیب زد. یزدی در مقام رئیس قوه قضایی این را خوب می دانست بهمین خاطر نتوانست دنا را با کمتر از یک دهم قیمت از آن خود کند.

بسیاری از واحدهای صنعتی دیگر کشور از ارج گرفته تا آذر آب و هپکو و صدها واحد صنعتی پیشرفته دیگر به همین سر نوشت دچار شدند. علت هم روشن بود کسانی که واحدهای صنعتی پیشرفته را با استفاده از رانت قدرت تصاحب کردند، نه تفکر و سابقه و تجربه کار تولیدی داشتند و نه اعتقادی به آن داشتند. اکثر دلالان و بازاریانی بودند که به سود بادآورده از طریق تجارت و واردات می اندیشیدند و یا می خواستند با تملک زمین های کارخانه ها بساط خانه سازی راه بیندازند. افشاگری علیه برخی اختلاسها همچون اختلاس ۹۲ هزار میلیاردی فولاد مبارکه و اختلاس ۱۷۰ میلیون دلاری مدیر مکتبی پتروشیمی مهر در واقع اعمالی تلافی جویانه هستند که نه بواسطه مبارزه با فساد بلکه از طرف جناح های قدرت علیه یکدیگر انجام می شود و حکایت همان مثل معروف "زدی ضربتی ضربتی نوش کن" را دارند. ما بعد از انتصاب رئیسی جنایتکار به ریاست قوه قضایی شاهد به راه افتادن جنجال مبارزه با فساد بودیم، اما در عمل معلوم شد که بهانه ای بیش برای تصفیه حساب با دولت پیش و دارودسته روحانی نیست. پرونده هایی هم که تشکیل شد همگی علیه اختلاسهای مربوط به جناح رقیب بود. ماجرای پس گرفته شدن مالکیت نیشکر هفته که به راستی به رایگان و با رشوه دهی و رشوه گیری به اسد بیگی واگذار شده بود از همین قسم بود و اگر هفت تپه را جناح حاکم نتوانست بعد از لغو مالکیت آن از اسد بیگی به یکی از افراد خود واگذار نماید تنها به دلیل مبارزه هوشمندانه و طولانی کارگران هفت تپه و فراهم نبودن موقعیت بود و لاغیر

حالا پرونده لاستیک دنا و داستان ملاخور شدن آن توسط یزدی دوباره در این افشاگری ها از آرشیو بیرون کشیده شده است و چرایی عدم لغو آن به زیر سوال رفته است. خاصیت این گونه افشاگری ها و رو کردن



فسادها توسط جناح‌ها در این است که اولاً گوشه‌هایی از فسادهای انجام شده جناح‌های حکومتی غالب و مغلوب را که به فراموشی سپرده شده‌اند برای افکار عمومی تازه می‌کند، دوما حقانیت نیروهای مخالف خصوصی سازی را نشان می‌دهد و سوماً افکار عمومی را علیه غارتگری‌های انجام شده زیر عنوان خصوصی سازی بسیج می‌کند. ولی در نهایت نه منجر به پس گرفتن موسسات خصوصی شده می‌شود و نه هیچکدام از جناح‌ها حاضرند سیاست خصوصی سازی را کنار بگذارند و از غارت اموال عمومی دست بردارند. تنها راه موثر برای پس گرفتن اموال عمومی از صاحبان قدرت همان راهی است که کارگران هفت تپه پیمودند. این خود کارگران و مخالفان خصوصی سازی هستند که می‌توانند با متحد شدن و مبارزه پیگیرانه سیاست خصوصی سازی را که همراه با مقررات زدایی حقوق کار پیشبرده می‌شود در هم بشکنند. مبارزه علیه خصوصی سازی در واقع مبارزه علیه مقررات زدایی و بی حقوق سازی نیروی کار در هم تنیده هستند.

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و سایر زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم
همه زندانیان سیاسی باید بلادرنگ آزاد شوند!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتصاب در پتروسیمی دنا

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی



همکاران شاغل در پتروشیمی دنا فاز دو منطقه پتروشیمی عسلویه امروز یکشنبه بیستم شهریور دست به اعتصاب زده اند.

این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق تیر و مرداد ماه صورت گرفته است.

همچنین بنا بر اخبار دریافتی همکاران بخش ساخت مخزن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب هم در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق های تیر و مرداد امروز دست از کار کشیده اند.

صاحبان نانوايي های سنتي حاضر به اجرای مصوبه دستمزد نيستند

رئيس انجمن صنفی نانوايي های سنتي مشهد ضمن اعتراض به عدم افزایش ۵۷،۴ درصد افزایش دستمزد قانونی خواستار افزایش دستمزد کارگران نانوايي ها شد. به گفته ابوالفضل صاحب قرانی ، با وجود گذشت ۶ ماه از افزایش دستمزد کارگران در شورای عالی کار هنوز دستمزد کارگران نانوايي ها افزایش پیدا نکرده است. به گفته وی دستمزد کارگران ۱۵۰ هزار تومان در روز است که ۴ روز تعطیلی ماهانه بی حقوق را اگر حساب کنند، دستمزد دریافتی کمتر از ۴ میلیون در ماه می شود. گفتنی است که تنها در مشهد نیست که صاحبان نانوايي ها از افزایش دستمزد ها امتناع می ورزند، در اغلب شهرهای کشور هم قضیه مشابهه مشهد است. کسر حقوق مرخصی هفتگی نیز غیر قانونی است و کارفرما حق ندارد حقوق مرخصی هفتگی را از دریافتی کارگر کسر کند. از همین جا معلوم می شود که انجمن صنفی حتی قادر نشده جلوی کسر حقوق مرخصی قانونی کارگر را بگیرد تا چه برسد به سایر مطالبات، اداره کار نیز که بایستی بر اجرای قانون نظارت کند هیچ تلاشی برای مکلف کردن کارفرما نکرده و نمی کند. گویی در این مملکت نه قانونی وجود دارد و نه اداره کار!

۱۰ کمیسیون تخصصی شورای عالی اشتغال آفتابه لگن هفت دست شام و ناهار هیچ

خبرگزاری ایلنا از تشکیل سومین نشست کمیسیون تخصصی شورای عالی اشتغال با شرکت نمایندگان ۳۰ دستگاه اجرایی و حضور رئیسی در آن خبر داده است. در این گزارش بی سروته اثری از آمار و ارقام که گویای فعالیت این کمیسیون و شورای عالی باشد نیست.

محمود کریمی بیرانوند که ریاست کمیسیون را با خود یدک می کشد از مطرح شدن ۳۴ مصوبه ملی بی آدرس و نشان خبر داده است چند مسئول دیگر گزارشاتی از پیشرفت های به عمل آمده نسبت به سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ارائه داده اند که کل گویی های بی سند و مدرک هستند. نتیجه گیری از اجلاس کمیسیون و جمع بندی آن توسط کریمی بیرانوند بخوبی بی برنامه گی و بی عملی و بی خاصیت بودن این کمیسیون "تخصصی" و دولت را بر ملا می کند. ایلنا به نقل از این مسئول ارشد دولتی نوشت

کریمی بیرانوند نیز با جمع بندی موضوعات ارائه شده تصریح کرد: تمامی اقدامات انجام شده در راستای نظریه زیست بوم ملی اشتغال است که این نظریه کاملاً علمی و راهکار خروج کشور از بحران تولید و اشتغال است". مردم انتظار داشتند از این کمیسیون بشنوند از یک میلیون شغل وعده داده شد، چه مقدار عملی شده و اگر نشده و پسرفت شده دلیل اش چه بوده و بالاخره آیا دولت قادر به ایجاد اشتغال شایسته هست یا نیست. نه اینکه بجای کارنامه یک نظریه مجهول را به عنوان کارنامه تحویل شان بدهند که کسی سر از کارشان در نیابد.

یک حادثه منجر به فوت و مصدومیت برای ۲۲ نفر از کارگران فصلی مزرعه در محور جاده رشتخوار به خواف در استان خراسان رضوی رخ داد



در ماه های اخیر در اثر تصادف سرویس های کارگری تعداد زیادی کارگر کشته و مجروح و معلول شده اند. علت اکثر این تصادفات استفاده از خودروهای ناقص و از رده خارج شده گزارش شده است. حوادث درون کارگاه کم نبود حوادث سرویس های ایاب و ذهاب هم بر آنها افزوده شده آنقدر سود و سود پرستی . در میان کارخانه داران شایع شده که برای چند گاز سود بیشتر حاضرند جانهای زیادی را قربانی کنند

به گزارش ایلنا، براساس اطلاعات منابع کارگری استان خراسان رضوی، یک حادثه منجر به فوت و مصدومیت برای ۲۲ نفر از کارگران فصلی مزرعه در روزهای گذشته اتفاق افتاد. این کارگران برای جمع آوری پیاز و زعفران با یک دستگاه خودرو وانت نیسان از روستای قلعه نو (خواف) به مقصد روستای فتاباد (رشتخوار) در حال حرکت بودند

! ۴۰ هزار نفر نیروی شرکتی در مخابرات خواهان رسمی شدن هستند

برخی از این نیروهای پیمانکاری که بیشترین مشکلات را در شرکت مخابرات دارند، می گویند: با سابقه ای بالای ۱۵ سال هنوز نیروی پیمانکاری هستیم و حقوق و مزایای بسیار کمتری از نیروهای قراردادی و رسمی می گیریم

به گفته ی آنها؛ امنیت شغلی نیروهای شرکتی پایین است، به همین دلیل این نیروها مجبورند کار بیشتری نسبت به سایر نیروهای قراردادی و رسمی انجام دهند و دستمزد کمتری دریافت کنند. اعتراض به این وضعیت باعث اخراج نیروها می شود

سپیده قلیان بعد از ۵ روز اعتصاب غذا در اثر وخامت وضعیت سلامتی اش به بیمارستان منتقل شد.

علت اعتصاب سپیده اعتراض به تبعید در زندانی دور از محل زندگی خانواده اش است. گفتنی است که وضعیت سلامتی سپیده در اثر فشار و زندان از قبل از اعتصاب غذا هم چندان مساعد نبود. به همین خاطر با پنج روز اعتصاب ناچار به انتقال وی به بیمارستان شدند

تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد در اصفهان مقابل ساختمان مرکزی

به گزارش منابع خبری کارگری بازنشستگان فولاد در ۲۰ شهریور دوباره با خواست افزایش حقوق بازنشستگی شان در مقابل دفتر مرکزی بازنشستگی فولاد در اصفهان تجمع کردند. افزایش ۲۸ درصد به اضافه ۵۱۵ هزار تومان به حقوق بازنشستگی و پرداخت حقوق همسان سازی سال گذشته مهمترین خواسته های بازنشستگان فولاد هستند

اعتراض به ادامه بازداشت معلمان و کارگران زندانی همچنان ادامه دارد

:محمود بهشتی لنگرودی در اعتراض به بازداشت معلمان در توییتی نوشت

.واقعاً این رویه درست نیست که اجازه داده بشه تا ضابطان برای دستگاه قضایی تعیین تکلیف کنند

بازپرس پرونده با آزادی معلمان زندانی (جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی) موافق بوده اما با مخالفت ضابطان، این عزیزان، با وجود بیماری حاد و تامین وثیقه همچنان در بند هستند

:کمپین حقوق بشر در ایران در اعتراض به در زندان نگاه داشتن کیوان صمیمی نوشت



کیوان صمیمی همواره صدای بی‌صدایان محبوس بوده است. راوی ظلم مداوم اعمال شده بر آنهایی که در تاریکی حبس فراموش می‌شوند

حالا مقامات زندان سمنان این زندانی را از حق تماس تلفنی محروم کرده‌اند. هرچند نمی‌دانند که این رفتار، صدای حق‌خواهی را بلندتر خواهد کرد

لیلی حسین زاده فعال دانشجویی بیمار همچنان در زندان

لیلا حسین زاده، فعال صنفی دانشجویی بازداشتی و زندانی سیاسی سابق طی یک تماس تلفنی با خانواده خود از انتقالش به زندان عادل آباد شیراز خبر داد. خانم حسین زاده پیشتر از بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز موسوم به پلاک ۱۰۰ به بازداشتگاه نیروی انتظامی شیراز (سروش) منتقل شده بود. همچنین به دلیل عدم رسیدگی پزشکی مناسب و ابتلا به بیماری خودایمنی، وضعیت جسمی این فعال صنفی نامساعد توصیف شده است

یک منبع مطلع در خصوص آخرین وضعیت خانم حسین زاده به هرانا گفت: «لیلا امروز طی تماسی تلفنی با خانواده اش عنوان کرد که از یک هفته پیش به بند قرنطینه و سپس به بند زندان عادل آباد شیراز منتقل شده و بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در کنار زندانیان متهم به جرائم مرتبط به مواد مخدر بسر میبرد. همچنین وضعیت وی که از بیماری خودایمنی رنج میبرد وخیم شده، به طوری که دستگاه گوارش، مفاصل و چشم‌هایش درگیر شده و نیاز اورژانسی به درمان تحت نظر پزشک متخصص دارد»

خودسوزی یک کار دیگر بعد از اخراج از کار

یکی از کارگران شرکت پتروشیمی کرمانشاه واقع در بخش بیستون از توابع شهرستان هرسین به نام سجاد امیری ۳۰ ساله پس از اخراج از این شرکت روز دوشنبه ۲۱ شهریور به دلیل مشکلات معیشتی اقدام به خودسوزی و جانش را از دست داد. متأسفانه خودکشی در اثر اخراج از کار و دشواری پیدا کردن کار تازه در حال افزایش هستند. یک علت این خودکشی‌ها محرومیت از حقوق بیکاری در دوران بیکاری ناخواسته است و نداشتن پول برای تامین معیشت. با این همه دولت حاضر نیست به بیکاران ناخواسته حقوق بدهد تا بتوانند به کمک آن زندگی کنند. اکثر اخراجها نیز فاقد دلیل قانونی هستند و برای کارفرمایان هم اهمیت ندارد که کارگری بخاطر بیکار شدن یا اخراج دست به خودکشی بزند. تشکلهای کارگری مستقل امکانی هستند که می‌توانند در این مواقع به بیکاران کمک کنند، اما به آنها اجازه فعالیت نمی‌دهند. یعنی حق و جان کارگر را نادیده می‌گیرند، ولی نه اداره کار از حق و حیات کارگر مراقبت می‌کند و !نه می‌گذارند کارگر برای دفاع از حق و جان خود تشکل درست کند

اعتراض کارگران شهرداری در رودبار

منابع کارگری در شهرستان رودبار اعلام کردند، صبح روز (۲۰ شهریور ماه) گروهی از کارگران شهرداری رودبار پیگیر دریافت مطالبات مزدی خود شدند به گفته کارگران روز به روز بدهی شهرداری به کارگران بیشتر می‌شود و کسی کاری برای کارگران نمی‌کند. طبق گفته کارگران شهرداری بدهی مزدی از بابت مزای، مرخصی، اضافه کاری و بیمه بدهکار است و در مجموع ۶ ماه دستمزد امسال و پارسال کارگران را هنوز تصفیه نکرده است. مراجعه مکرر کارگران و بردن شکایت نزد اداره کار و سایر ادارات دولتی برای گرفتن طلب مزدی شان به جایی ره نبرده است

۱۷ تن از کارگران معترض شرکت آذرباب به پرداخت جزای نقدی محکوم شدند



قوه قضائیه بی دادگر استان مرکز پس از اعتراضات گسترده علیه صدور احکام زندان و شلاق برای ۱۷ کارگر معترض کارخانه آذراب اراک مجبور به لغو احکام شلاق شد و در عوض هر یک از کارگران را محکوم به پرداخت ۳ میلیون تومان جزای نقدی کرد.

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون نقش خانه کارگر در محاکمه پروین محمدی

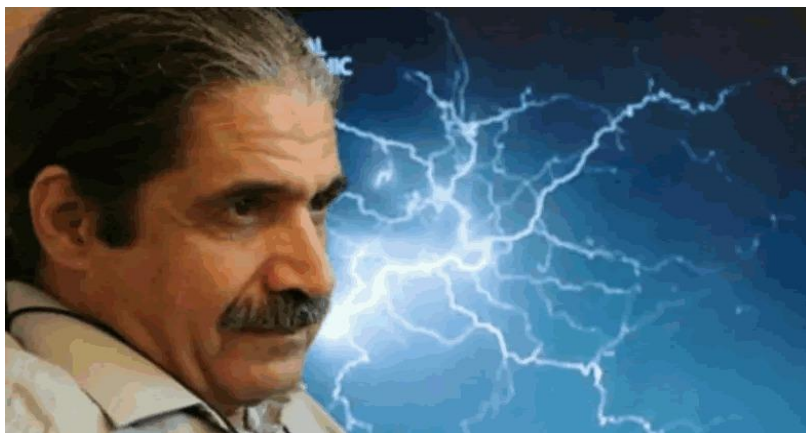
اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون محاکمه و نقش مسئولین امنیتی خانه کارگر در پرونده سازی علیه پروین محمدی بیانیه ای منتشر کرد. این بیانیه با ابراز انزجار از محاکمه پروین محمدی، بر افشای بیشتر باججویان امنیتی خانه کارگر تأکید و خواهان پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی علیه تمامی کارگران و مزدبگیران و آزادی فعالین صنفی شد. اتحادیه آزاد در بیانیه خود پرونده سازی علیه پروین محمدی نایب رئیس این اتحادیه را به خانه کارگر و عوامل امنیتی آن نسبت داده است. که البته اعضای خانه کارگر و شوراهای اسلامی در این کارها سوابق ننگینی دارند. فرستادن چماقدار برای تعطیل کردن سندیکاها، همکاری با حراست و بسیج و نیروهای امنیتی در شناسایی و کنترل و خبر چینی از فعالین کارگری، هجوم به تعاونی های مصرف صنوف و تصرف محل خانه کارگر، جزیی از اعمال این تشکل حکومتی ضد کارگری و زیر مجموعه های آن هستند. علی ربیعی وزیر پیشین کار در دولت روحانی یکی از عوامل اصلی خانه کارگر تا معاونت سازمان اطلاعات هم ارتقا پیدا کرد. هم او بود که خانه کارگر را تبدیل به یکی از مراکز امنیتی رژیم کرد.

تجمع اعتراضی کارکنان اداری شهرداری شوشتر

کارکنان شهرداری شوشتر در ۲۱ شهریور با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل شهرداری شهر خواهان پرداخت حقوق و حق بیمه سه ماه گذشته خود شدند

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد

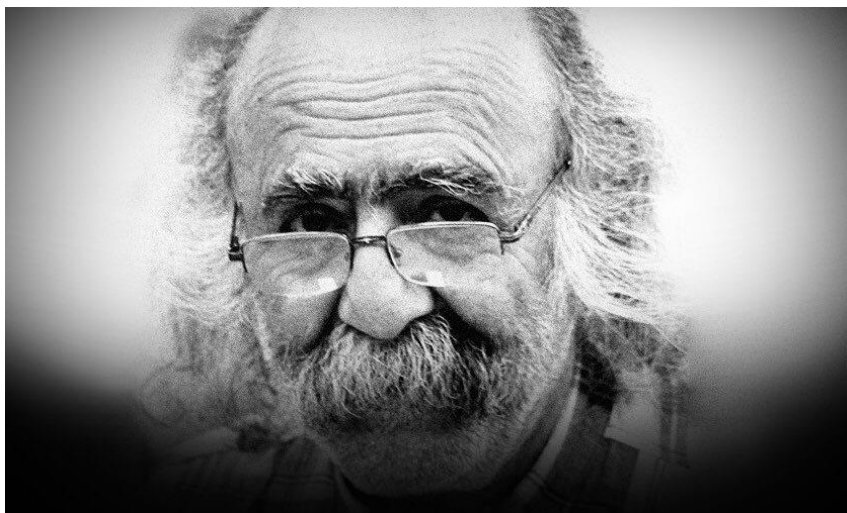
متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت ها مبارزه کنیم!



دولت و مجلس از موضع غیر قانونی خود در خصوص میزان افزایش در اثر اعتراض بازنشستگان عقب نشینی کردند، ولی اسماعیل مقدم که به قانون شکنی دولت اعتراض کرده بود همچنان در زندان است. بازنشستگان خواهان آزادی بی قید و شرط اسماعیل گرامی و لغو حکم زندان وی هستند.



محکومیت و اعتراض به قتل مهسا امینی توسط عوامل آتش به اختیار حکومت توسط
تشکلهای مستقل کارگری و معلمی



پرونده سازی تازه برای کیوان صمیمی در زندان سمنان



۴۰ هزار کارگر مخابرات خواهان تبدیل قرار دادهای پیمانی و شرکتی به قرارداد مستقیم شدند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>